

ادامه مطلب حضور خاتمی در گفتگو ... از صفحه ۲۵

اعلام حضور خاتمی در صحنه رأی گیری، اما، صرف نظر از این که برد او در این مسابقه تا چه حد باشد، بزرگترین تأثیر خود را بر سیاست خارجی ایران خواهد گذاشت. به همین دلیل، خبر نامزدی خاتمی بیش از آن چه که در ایران مورد توجه قرار بگیرد و شور و هیجان بیافریند در مطبوعات خارجی انعکاس یافته و مورد استقبال مقامات غربی قرار گرفته است.

آقای خاتمی چهره «پذیرفتنی» نظام اسلامی بشمار می رود. چهره ای که در ایران برای دو دوره توانست رأی بخش بزرگی از مردم کشور را به خود جلب کند و کنترل قدرت اجرایی نظام را در دست بگیرد. او امیدهای زیادی برای مردم آفرید که در تأمین آنها ناموفق ماند. او همچنین دوره تنفسی برای جناح بنیادگرای نظام ولایت فقیه فراهم آورد تا به بازسازی خود بپردازد و در موقع خود به ضد حمله دست بزند و دست آوردهای ناچیز دوران اصلاحات را بر باد دهد. مهمتر از آن این که او چهره ای معقول و غیر احساساتی از جمهوری اسلامی ایران به جهان خارج عرضه کرد. غرب در خاتمی کسی را می دید که می توان با زبان روز با او سخن گفت و تعامل کرد. آقای خاتمی در دوران صدارتش البته از اقتدار کافی برای تعامل باغرب برخوردار نبود و نتوانست انتظارات غربیان را در حل و فصل مشکل فیما بین برآورد. ولی دست کم او برخلاف سنت پایدار جمهوری اسلامی به زبان یا جوج و مأجوج سخن نمی گفت و تخم دشمنی و قهر نمی پاشید، و این خود برای غرب نعمتی بود. روی کار آمدن احمدی نژاد پس از خاتمی که این سنت را به شکل مسخره ای زنده کرد، خاتمی را بیش از گذشته مورد توجه غرب قرار داد و همین امر باعث شد که او در محافل غربی بیش از دوران صدارتش مورد استقبال قرار گیرد.

این خصوصیات البته برای تضمین پیروزی آقای خاتمی در رأی گیری خرداد آینده کافی نخواهد بود. آقای خاتمی درخرداد ۷۶ با شعار حقوق بشر و توسعه سیاسی به صحنه آمد و توانست بخش وسیعی از مردم و به خصوص نیروهای جوان را به خود جذب کند. امروز هم گرچه سرکوب و خفقان به اندازه ای شدید شده که حقوق بشر و توسعه سیاسی را در متن خواست های مردم قرار داده است، ولی شعارهایی از این قبیل از سوی آقای خاتمی به سختی می تواند همانند سال ۷۶ شور و شوقی بیآفریند. این امر فقط به این دلیل نیست که آقای خاتمی در تحقق این شعارها موفقیت چندانی نداشت و نتوانست حتی در برابر هجوم عوامل ولی فقیه به حامیان مطبوعات هوادار خود از آنها دفاع کند.

دلیل مهمتر آن است که امروز شرایط اقتصادی و بحران های ناشی از آن چنان زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داده است که برای بسیاری اکنون مسئله نان و کار ومسکن از درجه اول برخوردار شده و مسائل دیگر از قبیل آزادی های سیاسی تحت الشعاع قرار گرفته است. آقای خاتمی هم، بنا به یک گزارش (۱) ، مصمم است که بر روی شعارهای اقتصادی تکیه کند و کمتر از توسعه سیاسی سخن بگوید. و از همین طریق نیز ظاهراً او توانسته است موافقت ولی فقیه را برای نامزدی خود کسب کند.

اعلام نامزدی خاتمی درست در روزهایی صورت می گیرد که مقامات ایرانی و آمریکایی برای اولین بار در طول سه دهه حکومت اسلامی از آمادگی بدون قید و شرط خود برای گفتگو با یکدیگر سخن می گویند. این اعلام آمادگی از سوی آمریکا البته نتیجه یک تغییر فاحش در سیاست خارجی این کشور پس از روی کار آمدن رئیس جمهور اوپاما است. در مورد ایران، اما به تازگی تغییری در حکومت صورت نگرفته است. در واقع، حکومت فعلی ایران تا همین چندی پیش هرگونه گفتگو با شیطان بزرگ را نفی می کرد و آقای خامنه ای کسانی را که خواهان گفتگو با آمریکا بودند «بی غیرت» می خواند.

از سوی دیگر، تغییر لحن جمهوری اسلامی در برابر آمریکا را نمی توان کاملاً به حساب تغییر حکومت آمریکا گذاشت. در ۳۰ سال گذشته، این برای اولین بار نیست که دموکرات ها در آمریکا بر سر کارند و خواهان برقراری روابط عادی با ایران بوده اند.

ولی این جمهوری اسلامی بوده است که همواره با شعار «مرگ بر آمریکا» هرگونه فرصت مذاکره با آمریکا را نفی کرده و بر طبل دشمنی کوبیده است. پس اکنون چه اتفاق دیگری پیش آمده است که تابوی گفتگوی با آمریکا را برای جمهوری اسلامی شکسته است؟

پاسخ این سوال را باید در همان شرایط حاد اقتصادی جست که بیش از هرچیز دیگر جامعه ایران را اکنون تحت تأثیر خود قرار داده است. تحریم های اقتصادی سازمان ملل و کشورهای غربی

علیه ایران، همراه با سوء مدیریت اقتصادی و حیف و میل های حکومتی و کاهش شدید قیمت نفت پس از صعود ناگهانی آن در تابستان گذشته، و تأثیر این عوامل بر بیکاری گسترده و تورم مهار گسیخته، طبقات متوسط و پایین جامعه را به شدت تحت فشار قرار داده است. بحث های مربوط به بودجه سال آینده و کسری عظیم آن که به گفته مخالفان احمدی نژاد در مجلس به بیش از چهل میلیارد دلار سر می زند از شدت بحران ناشی از این شرایط حکایت می کند. این شرایط، ظاهراً مقامات حاکم را بر آن داشته که تا دیر نشده است برای آن علاچی بیابند، و تلاش برای رفع تحریم های سازمان ملل یکی از این راه ها است . شرایط حاد اقتصادی فعلی کشور توضیح می دهد که چرا از یک سو آقای خاتمی این بار می خواهد با شعار اقتصادی به میدان بیاید (و به این دلیل می تواند مورد تأیید شورای نگهبان ولی فقیه قرار بگیرد) و از سوی دیگر حکومتی که تا دیروز هرگونه گفتگو با آمریکا را نفی می کرد و آن را کفر می پنداشت امروز به مذاکره با آمریکا نزدیک شده است.

اعلام آمادگی برای نامزدی ریاست جمهوری از سوی آقای خاتمی در عین حال به معنای حضور او درمعامله روابط غرب با ایران نیز محسوب می شود، و چشم انداز مذاکرات ایران و آمریکا دستخوش تحول می کند. کشورهای غربی عموماً و آمریکا خصوصاً ترجیح می دهند که در گفتگوهای خود با جمهوری اسلامی با فردی مانند خاتمی روبرو شوند. آنان نه فقط (در مقایسه با خاتمی) به احمدی نژاد و همکاران او در حکومت کمتر اعتماد می کنند و بلکه مایل نیستند با توافق با احمدی نژاد به رفتار سرکشانه او در برابر غرب پاداش بدهند. از دید آنان، با کسی مانند خاتمی بهتر می توان به یک توافق متمدانه و مرضی الطرفین بر سر اختلافات فیما بین رسید. در هر صورت، با نزدیک شدن موعد رای گیری برای ریاست جمهوری اسلامی ایران، آمریکا ترجیح می دهد که مذاکرات تعیین کننده خود را به پس از آن و با رئیس جمهور وقت موکول کند و در این فاصله فقط به گفتگوهای مقدماتی بپردازد. این ترجیح باحضور خاتمی در صحنه و احتمال پیروزی او در این رأی گیری قوت بیشتری پیدا کرده است.

این امر چند اثر تعیین کننده در روند سیاست خارجی و داخلی ایران در چند ماه آینده خواهد داشت. اول این که جناح بنیادگرای رژیم با پرچسب زدن به خاتمی به عنوان نامزد مورد حمایت آمریکا می تواند از این امر به عنوان یک حربه تبلیغاتی علیه او بهره برداری کند. این نوع تبلیغات البته در حکم یک تیغ دولبه است و ممکن است از نظر آرای مردم عملاً به نفع خاتمی تمام شود.دوم اینکه جناح حاکم برای این که بتواند در آستانه رأی گیری روابط خود را با غرب ترمیم ببخشد، تا احوانا از آن به عنوان یک «پیروزی» در تبلیغات انتخاباتی یاد کند و شاید از نظر اقتصادی نیز تا حدی خود را از مخمصه نجات دهد، ممکن است از موضع ضعیف تری در چند ماه آینده با آمریکا روبرو شود و آمریکا بتواند از این موقعیت به نفع خود بهره برداری کند. و سوم، صرف نظر از این که در چندماه پیش از رأی گیری چه تحولاتی در این زمینه رخ دهد، رابطه با آمریکا به احتمال زیاد به عنوان یکی از شعارهای تبلیغاتی این رأی گیری (نفیاً یا اثباتاً)، در کنار شعارهای اقتصادی، مطرح خواهد شد. به عبارت دیگر، برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی ایران، رابطه با آمریکا می تواند نقش کلیدی در مبارزات انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران ایفا کند.

اعلام آمادگی سید محمد خاتمی برای نامزدی در رأی گیری خردادماه آینده، همزمان با اظهارات مقامات آمریکایی و ایرانی در مورد آمادگی گفتگو با یکدیگر، معادلات جدیدی را در صحنه سیاست داخلی و خارجی ایران باز کرده است. از نظر داخلی، این اعلام بدون موافقت قبلی آقای خامنه ای بعید به نظر می رسد- موافقتی که ظاهراً به بهای حذف شعار توسعه سیاسی و تمرکز بر شعارهای اقتصادی از سوی آقای خاتمی، به دست آمده است.این امر به نوبه خود از شدت بحران اقتصادی ایران حکایت می کند. از سوی دیگر، رأی گیری خرداد ماه و حضور خاتمی در آن، گزینه هایی را برای آمریکا در گفتگو با ایران پیش آورده است. آمریکا به احتمال زیاد سعی خواهد کرد که گفتگوهای اساسی خود را با ایران به پس از خرداد ماه موکول کند، و احتمال این امر با نامزدی خاتمی در رأی گیری بیشتر شده است. از این سو، در آینده نزدیک ما شاهد رقابت شدید جناح های حاکم و محکوم جمهوری اسلامی برای کسب کرسی گفتگو با آمریکا خواهیم بود. رقابتی که به صورت مستقیم و نامستقیم در تبلیغات انتخاباتی خرداد ماه آینده بروز خواهد کرد و احياناً سرنوشت آن را رقم خواهد زد.

http://www.tiknews.org/display/?ID=7596&page=1

باردیگر مریدان و حسودان و بدخواهان بدرفتاری و توطئه گری را از سر گرفتند و شمس را ناگزیر از این ساختند که این بار باز هم بدون خداحافظی ولی دیگر برای همیشه قونیه را ترک کند.

تصمیم شمس برای جدا شدن از مولانا البته فقط بدلیل بدرفتاری مریدان نبود. علت اصلی این بود که شمس مصمم شده بود کارش در آنجا تمام شده و مولانا حقیقتاً دیگر نیازی به وجود او ندارد و حضورش در قونیه و در زندگی مولانا در واقع حجابی است در راه کامل شدن او. مولانا که در این زمان ۴۱ ساله بود از غیبت شمس دچار اندوه و تأثری عمیق گشت. چون عاشق شوریده ی سوزانده ای به هرجا بدنبال شمس میگشت لکن اثری از او نیافت. به دمشق، به حلب و به قول بعضی حتی به تبریز رفت، آشفته و بیقرار و دلتنگ به قونیه باز گشت. از درد هجران و فراق شمس می نالید و میسرود:

زاهد بودم، ترانه گویم کردی

میخاره بزم و باده جویم کردی

سجاده نشین با وقاری بودم

بازبچه ی کودکان کویم کردی

پسر مولانا، سلطان ولد که همه جا همراه پدر بود نقل میکند که در پایان این سفر نافرجام

شمس تبریز را به شام ندید

در خودش دید همچوما پدید
و حقیقتاً چنین بود. مولانا پس از این واقعه شمس را در وجود خودش یافت. یعنی دیگر مردی کامل شده بود. مردی شده بود که می گفت: **من با هفتاد و سه ملت یکی هستم .**

ادامه مطلب پیوند ناگسستنی دو یار ... از صفحه ۳۵

به درجه ای از معرفت و آزادگی رسیده بود که پیش او گیر و یهود و ترسادشمن خدا نبودند. همه دوستان خدا و یاران خدا بودند و مولانا با همه آنها در نهایت اخلاص و محبت زندگی میکرد. پیوسته در رقص و شور و هیجان و سماع بود. در عرش در پرواز بود. با کل هستی از ذره تا ذرات مأنوس و مربوط شده بود. به مرتبه و مقامی از شهود رسیده بود که جز وحدانیت و عشق مطلق الهی نمی دید. معشوق و محبوب جاودانی اش، شمس تبریز او را به ملاقات خدا رهنمون شده بود و خداوند گار جلال الدین محمد بلخی سالک بزرگ طریق عرفان سرانجام در وجود حق فانی گشته بود. در این مقام همه ی موجودات عالم در سرودند، در جنبش اند و در شور و هیجان عشق ازلی و ابدی مستغرق و فانی.

ماسمیعیم و بصیریم و خوشیم

با شما نامحرمان ما خامشیم

از ظهور شمس تبریز در خانه ی مولانای روم که معراج جلال الدین را بدنبال آورد چندسالی نگذشت که نهال بارور شده از این پیوند جاودانه ثمرات حیات بخشش را در قالب دیوان غزلیات شمس تبریزی به جهانیان عرضه کرد و در آخرین سالهای عمر مولوی یکی از بزرگترین شاهکارهای ادبی، عرفانی فرهنگ ایران زمین، دیوان مثنوی معنوی زینت بخش گنجینه زرین ادب پارسی گردید. خوانندگانی که علاقمند به کسب اطلاعات بیشتر درباره زندگی شمس تبریزی و مولوی هستند، می توانند به کتاب بسیار پر ارزش «پله پله تا ملاقات خدا» تعلیف دکتر عبدالحسین زرین کوب مراجعه کنید.

ادامه مطلب در حاشیه خبرها ... از صفحه ۳۲

این به معنای بالا رفتن قیمت کالاهای وارداتی و افزایش تورم موجود است.

-چهارمین یا آسان ترین راهها افزایش چندهزار درصدی مواد سوختی از جمله گاز و گازوئیل و نفت و برق است که فعلاً مجلس اسلامی با افزایش نفت تا لیتری سیصدتومان و گازوئیل تا یکصدتومان موافقت کرده است. فراموش نکنید که اینها همان قول هایی است که رهبر اسبق ایران و رئیس جمهوری فعلی ایران درباره مجانی شدن نفت و گاز و برق و نیز بردن پول نفت برسر سفره مردم ایران داده بود که رفته رفته دارد به مرحله اجرا در می آید.

توطئه استکبار جهانی

مردم دنیا به ویژه خبرگزاربهای بین المللی اصولاً با رژیم جمهوری اسلامی پدر کشتگی دارند و هر اتفاق نامساعدی که در هر گوشه دنیا روی دهد، دست و پای جمهوری اسلامی را در آن گیر میدهند تا این رژیم خوشنام را تبدیل به یکی از زشت چهره ترین رژیم های دنیا بکنند. مثلاً به این خبر توجه کنید:

یک کشتی که با پرچم قبرس در دریای سرخ برای خود در حال حرکت بود بازداشت شده و محموله آن مورد بررسی قرار گرفت و دشمنان رژیم جمهوری اسلامی که منتظر بهانه هستند اعلام کردند که این کشتی حاوی مقادیر قابل توجهی اسلحه ساخت جمهوری اسلامی بود که از خلیج فارس عازم کشوری مثلاً سوریه بوده است تا محموله خود را تحویل این کشور دهد و آنان نیز این اجناس مرغوب را در اختیار حماس درباریکه غزه قرار دهند.

البته چون آمریکایی ها مجاز به توقیف کشتی نبودند و کشتی زیر پرچم قبرس حرکت می کرد، این کشتی با وضعی محترمانه به قبرس بدرقه شد و در آنجا پس از بازدید دقیق مقامات قبرسی، گزارش امر که حاکی از حمل مهمات توسط این کشتی بود به سازمان ملل متحد داده شد.

البته حسن قشقاوتی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی که ظاهراً از این بهتان بسیار ناراحت شده بود در یک مصاحبه مطبوعاتی تمام این مسائل را تکذیب کرده و آن را توطئه دشمنان جمهوری اسلامی علیه این رژیم خواند و اضافه کرد " اگر کشتی حامل سلاح بود، همه چیز روشن می شد" و با این استدلال قوی تمام فلاسفه دنیا را انگشت به دهان گذاشت.

همزمان مقادیر زیادی اسلحه ساخت جمهوری اسلامی از جمله پانصد بمب دست ساز و صدها خمپاره نیز که از مرز جمهوری اسلامی گذشته و وارد عراق شده بود توسط مقامات آمریکایی مستقر در عراق کشف و ضبط شد. این مهمات همه تاریخ ساخت ۲۰۰۸ را دارد. جمهوری اسلامی نیز مطابق معمول این خبر را تکذیب کرده و آنرا توطئه دیگری از سوی استکبار جهانی اعلام کرد.

عبدالله خان ما می گوید از آنجا که کشورهای غربی از فرستادن ماهواره امید به فضا بسیار خشمگین شده اند، به این جهت با انتشار این گونه اخبار واهی و بی پایه و اساس میخواهند افکار عمومی مردم جهان را نسبت به جمهوری اسلامی مغشوش کرده و آنان را درباره هدف های صلح جوینانه جمهوری اسلامی گمراه سازند. اگر آمریکایی ها و غربی ها سوء نیت نداشتند می بایستی جلو کامیونهای حامل اسلحه جمهوری اسلامی فرش قرمز پهن می کردند و با هللهل و شادی از ورود آنان استقبال می کردند. رژیمی که حاضر شده با پول خود اسلحه ساخته و با کامیونهای خود و افراد تعلیم دیده خود آنرا به عراق گسیل دارد تا با این مهمات صلح را در این منطقه آشوب زده جهان پا برجا سازد، باید بجای استقبال از آن، اخباری این چنین درباره اهداف صلح جوینانه آن انتشار داد؟

پیوند ناگسستنی دو یار ... از صفحه ۳۵